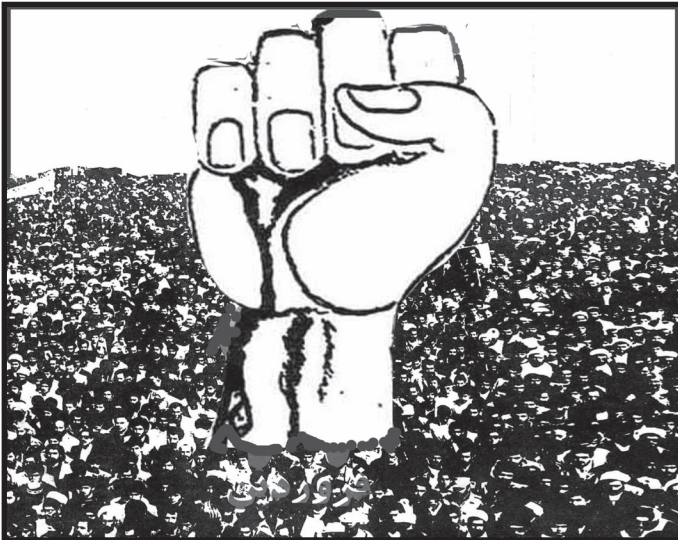


۲ص	■ اسنادی از قیام ۵ آذر سال ۵۷ گرگان
۲ص	■ قیام ۵ آذر گرگان. علیہ استبداد بود
۳ص	■ گرگان یکپارچه در خون و آتش
۵ و ۴ص	■ کشتار پنجم آذر گرگان و نقض قانون اساسی مشروطه
۶ و ۷ص	■ اینجا خانه شاه است! همه از ارضی متعلق به اعلیٰ حضرت است!
۸ص	■ شہدای ۵ آذر سال ۵۷ گرگان به روایت تصویر

سال نوزدهم - شماره ۲۴۹ و ۲۵۰ - پاییز ۱۴۰۴ ش - بها: ۱۰۰۰۰ تومان - صاحب امتیاز و مدیر مسئول: غلامرضا خارکوهی

۵ آذر گرگان، خونین‌ترین روز ایران



حرف اول: ۵ آذر گرگان، خونین‌ترین روز ایران

جنایتی که ماموران حکومت پهلوی در روز ۵ آذر سال ۱۳۵۷ در خیابان‌های شهر گرگان مرتکب شدند آنقدر وقیح بود که اگر سران این رژیم در طول ۵۷ سال حکومت هیچ جرمی نکرده بودند، باز همین یک جرم روز ۵ آذر کافی بود که شاه و دولت و نظامیان استیضاح شوند و مورد محاکمه جنایی قرار گیرند. به راستی که آن روز خونین‌ترین روز نه فقط در گرگان و استان گلستان و ایالات شمالی، بلکه خونین‌ترین روز همه ایران بود. آن روز از در و دیوار شهر گرگان بوی خون و بارت به مشام می‌رسید و صغیر گلوله‌های آتشین ماموران بی‌رحم نظام شاهنشاهی مجال نمی‌داد کسی فریاد آزادی خواهی سر دهد. پاسخ مشت گلوله بود و پاسخ فریاد آزادی نیز گلوله. مگر مردم منطقه گرگان آن روز چه می‌خواستند که چنین مورد تهاجم نظامی وحشیانه ماموران رژیم قرار گرفتند؟

آن روز صبح یک شنبه بود و پنجم آذر سال ۱۳۵۷. آن روز مردم گرگان از محلات و خیابان‌ها و کوچه‌های مختلف این شهر و از شهرها و روستاهای اطراف گرگان و علی آباد کنول و کردکوی و بندرگز و سرخلاته در محوطه جلوی امام زاده عبدالله گرگان آمدند و اجتماع کردند تا از آنجا با هدایت روحانیت به سوی خیابان شهدا و فلکه شهرداری دست به راهپیمایی بزنند. آن روز هفتمین روز واقعه مشهد بود. هفت پیش از آن (یعنی روز ۲۹ آبان سال ۵۷) ماموران رژیم برای سرکوب منتقدان سیاسی با تجهیزات نظامی وارد حرم مطهر امام رضا(ع) در مشهد شدند و با تیراندازی مکرر، هم موجب بی‌حرمتی به آن امام رثوف گشتند و هم چند نفر را شهید و مجروح نمودند. امام خمینی که از این خبر بسیار نگران شده بود با ارسال پیامی آن را شدیداً محکوم کرد و از مردم خواست که با هر وسیله ممکن برای سقوط رژیم پهلوی قیام کنند. لذا مردم منطقه گرگان روز ۵ آذر سال ۵۷ به دعوت امام خمینی برای دفاع از جایگاه مقدس امام رضا دست به قیام زدند. زیرا می‌خواستند به ماموران حکومت بفهمانند که اهانت به مقدسات قابل تحمل نیست. اما پیش از آنکه مردم در خیابان‌های شهر به راه افتند به رگبار گلوله بسته شدند و همچون برگ‌های پائیزی نقش بر زمین گشتند. ۱۴ شهید و بیش از ۲۰۰ مجروح و آتش سوزی اماکن و ماشین‌الات گوناگون حاصل خشونت پلیس گرگان در آن روز بود.

بنده برای شناخت و معرفی این واقعه بیش از چهل سال تلاش نمودم و سه کتاب مستند و ده‌ها ویژه‌نامه و مصاحبه و مقاله منتشر کرده‌ام که تلاشم هنوز ادامه دارد. لذا آن روز در تاریخ ماندگار شد. بطوری که این واقعه در شهریور سال ۱۳۹۵ در شورای عالی فرهنگ عمومی ایران به عنوان روز قیام مردم گرگان ثبت ملی شد و اندکی بعد نیز در شورای اسلامی شهر گرگان به عنوان روز ملی گرگان به تصویب رسید. امید است برای مانایی این قیام عظیم تاریخی، همه مردم و نهادهای فرهنگی تلاش بیشتری به عمل آورند.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی از نهضت خمینی محافظت بفرما
غلامرضا خارکوهی تاریخ نگار و صاحب امتیاز نشریه انقلاب

ضمن بزرگداشت هفته بسیج

سا روز قیام ۵ آذر سال ۵۷ و

روز شهر گرگان مبارک

شورای اسلامی شهر و شهرداری گرگان

**روز ۵ آذر تجلی ایثار و حماسه
مردم گرگان مبارک**

**روابط عمومی و پایگاه بسیج مدیریت شعب
پست بانک استان گلستان**



**یاد و خاطره شهدای پنجم
آذر گرگان گرامی باد**

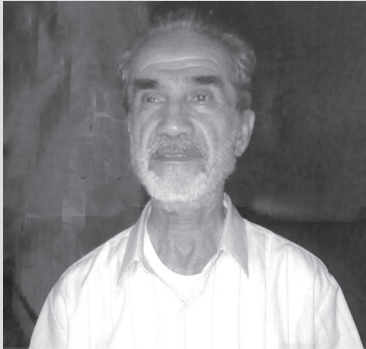
بنیاد شهید و امور ایثارگران استان گلستان

کتاب ذخیره گاه دانش بشری است

اداره کل کتابخانه های عمومی استان گلستان

گران یکپارچه در خون و آتش

راوی: مرحوم هوشنگ غفاری
معلم بازنشسته گران



پنجم آذر سال ۵۷ گران خونین‌ترین روز در استان های شمال کشور بود. مردم گران آن روز قصد داشتند تظاهرات آرامی برگزار نمایند. اما با ددمنشی عوامل رژیم و چتر امنیتی جدید مأمور امنیت آقای طاهری [افسر شهرانی گران] این تظاهرات به خاک و خون کشیده شد. بطوری که آن روز گران یک پارچه خون و آتش شد. از سراسر شهر صدای تیراندازی شنیده می شد. آتش و دود سراسر شهر را فرا گرفته بود. مردم در خیابان ها تجمع زیادی داشتند و کوچکترین ترسی از عوامل رژیم نداشتند. در همان ساعات اول تیراندازی مردم به طرف پارکینگ شهرانی حمله کردند و در مدت کوتاهی دیوار بلند و محکم این پارکینگ را با هول دادن تخریب کردند. چنان که اثری از دیوار باقی نماند.

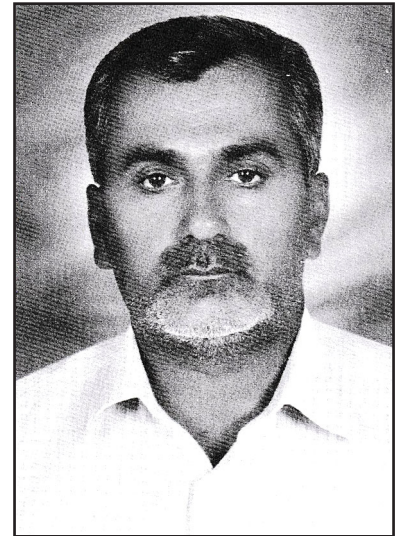
از روز بعد از پنج آذر و وقایع تلخ آن، سایه وحشت و هم انگیزی بر شهر سایه افکند. خیلی از مجالس تعطیل شدند. جامعه معلمان و سالن تختی نیز فعالیت نداشت. فقط مسجد حجتیه سرپیر به محوریت حاج شیخ صادق ریاضی که در جریان تحصن جلوی دادگستری [روز ۵۷/۸/۲۳] نقش مدیریتی داشت فعال بود. از سراسر شهر برای زنده نگهداشتن انقلاب به این مسجد می آمدند.

خلاصه آنکه واقعه پنجم آذر گران اثرات مثبت مهمی در پی داشت که یکی از آنها تغییر موضع کسانی بود که تا آن زمان هنوز به رژیم پهلوی وابسته بودند. ددمنشی عوامل شاه در ریختن خون مردم بی گناه، تاثیر شدیدی بر این افراد گذاشت، به طوری که ما شاهد بودیم خیلی از کسانی که تا چند روز قبل مخالف تظاهرات و فعالیت انقلابی مردم بودند تغییر موضع داده و به صف مردم مبارز پیوستند.

بعد از پنجم آذر فعالیت ها عمدتاً در محلات قدیمی سرپیر، سرچشمه، میدان، ملل و غیره به صورت کمیته های محلی شروع گردید. جوانان محلات برای جلوگیری از مزاحمت هایی که در شب توسط عوامل رژیم برای مردم بوجود می آمد، گشت شبانه را به صورت چند نفری در کوچه های محلات خود انجام می دادند که این اقدام برای شهرانی و سازمان امنیت گران غیر قابل قبول بود. -/

قیام ۵ آذر گران، علیه استبداد بود

روای: هادی تمسکنی



نارنجک شاید دو- سه تا پلیس را بکشد ولی آنان مردم را قتل عام خواهند کرد. لذا من از پزتاب منصرف شدم. اما نکته مهمی که در آن لحظه دیدم این بود که بعضی از افسران شهرانی فریاد می زدند پس است تیراندازی نکنید. ولی افراد روی نفریر توجه نمی کردند و یک روند شلیک می کردند. بعداً پدرم که کارمند فرمانداری بود به من گفت چند نفر از قاتلین مردم در فرمانداری گفته بودند که قبل از کشتن مردم مشروب استفاده کرده بودند و استدلالشان این بود تا می توانیم مردم را بکشیم.

بعد از رفتن نیروهای شهرانی به سمت میدان شهرداری مردم به پارکینگ آتش نشانی واقع در غرب میدان امامزاده، هجوم بردند و ماشینهای آنجا را آتش زدند. در همین شرایط صدای گریه بلندی به گوشم خورد که فریاد هم می زد تنگم را بدهید. سه سرباز ارتش از دستور فرماندهان خود سرپیچی کردند و فرار کردند و به مردم پناه آوردند و مردم آنها را خلع سلاح کردند. پس از بحث و جدل بین انقلابیون در نهایت سلاحهایشان را به آنها تحویل دادند. بعداً شنیدم این سربازها را در دادگاه صحرایی محاکمه و تیرباران کرده اند. پس از تخلیه شهدا و مجروحین، انقلابیون از مردم خواستند برای اهدای خون به بیمارستان پنج آذر بروند که من پس از آنکه به منزلم واقع در محله ملل گران رفتم و نارنجک را در خانه گذاشتم، عازم بیمارستان شدم و در صف خون دادن ایستادم که مورد حمله پلیس قرار گرفتیم. در آنجا نیروهای پلیس سید نظام الدین نبوی فرزند حجت الاسلام نبوی را در صف اهدای خون با شلیک گلوله به سرش به شهادت رساندند.

در روز پنج آذر من و برادرم آقا مهدی و مادرم در تظاهرات شرکت کرده بودیم. در هنگام آغاز کشتار مردم و زمانی که همه فرار کرده بودند مادرم تنها در میدان ایستاده و فریاد مرگ بر شاه می زد که برادرم وسط آن همه تیراندازی دست مادرم را گرفت و او را از میدان بیرون برد، آنها به داخل مغازه ای پناه بردند، دو مغازه پایین تر از گاراژ قدیم آق قلا واقع در خیابان راه آهن؛ که مأموران پلیس جلوی چشم مادر و برادرم و چند نفر دیگر جوانی را به گلوله بستند و به شهادت رساندند. مادرم بخاطر دیدن آن صحنه دردناک تا مدتها شرایط روحی خوبی نداشت.

با آغاز شب شهر آرام گرفت. ولی از ساعت ۱۰ شب به بعد فریاد مرگ بر شاه و الله اکبر این بار در همه نقاط شهر گران بگوش می رسد.

کشتار مردم در روز پنج آذر چهره واقعی رژیم شاهنشاهی را به مردم نشان داد و بسیاری از افراد بی تفاوت را به میدان مبارزه کشاند و عمر رژیم شاهنشاهی در سه ماه بعد به سر آمد و انقلاب پیروز شد.

یاد شهیدان گرامی و راه آنها که راه عدالت و آزادی بود تا ابد پایدار باد. -/

قیام ۵ آذر سال ۵۷ نقطه عطفی در مبارزات ملت ایران بر علیه استبداد است. مردم شهر گران در این روز در جوی خون غلطیدند، ولی به استبداد و ظلم نه گفتند. چند ماه قبل از ۵ آذر، من هادی تمسکنی و عباس بصیری و محسن فتوت و عادل سپهری و سیدتقی میرکریمی و سعید خوزین و ذبیح الله مزیدی با مرحوم سعید غفاری یک گروه تشکیل دادیم و سعید غفاری فرمول های ساخت کوکتل مولوتف بدون نیاز به آتش زدن، نارنجک و روش ساخت آنها را از قم برایمان آورد و ما با حمله به یکی از آزمایشگاه ها، مواد مورد نیاز را بدست آوردیم. سپس در خانه ما تعداد زیادی کوکتل مولوتف بدون نیاز به آتش زدن ساختیم و انبار کردیم تا اینکه در شبی که ساواکی ها خانه ما را محاصره کردند من و برادرم آقا مهدی آنها را از بین بردیم تا بدست ساواک نیافتند. ولی نارنجکها را در خانه یکی از دوستان ساختیم و در جای فعلی صدا و سیمای گران که در آن موقع جای متروکه ای بود آزمایش کردیم.

در روز ۵ آذر سال ۵۷ یکی از آن نارنجکها تحویل من شد تا در صورت نیاز علیه مأموران استفاده کنیم. آن روز مردم برای تظاهرات در میدان امامزاده عبدالله جمع شده بودند، ماشینهای نفریر شهرانی و ارتش هم آمدند که در اکثر تظاهرات ها برای متفرق کردن مردم می آمدند. آن روز نیروهای پلیس همه ماسکهای ضد گاز زده بودند و این برای همه جای سوال بود. ولی هنگامی که فرمان آتش و شلیک بی امان گلوله ها بگوش رسید دلیل آن مشخص شد. تعدادی زیادی از مردم به شهادت رسیدند و مجروح شدند و برخی از مردم به داخل امامزاده هجوم بردند. ولی نیروهای پلیس حتی در داخل محوطه امامزاده هم مردم را مورد هدف قرار می دادند.

من از پشت دیوار امامزاده خود را به نزدیکترین فاصله به نیروهای پلیس رساندم و نارنجک را آماده کردم تا به سمت آنان پرتاب کنم که ناگهان کسی فریاد زد و گفت این کار را نکن. او آقای مهدی شاهینی همسایه ما در محله ملل بود و گفت این

کشتار پنجم آذر گرگان و نقض قانون اساسی مشروطه وکیل پایه یک دادگستری گرگان

اشاره: اگر بخواهیم کشتار مردم بی گناه را در روز پنجم آذر سال ۵۷ با قوانین داخلی ایران در آن دوره بویژه با مواد قانونی اساسی خود رژیم پهلوی و متمم آن و نیز قوانین قضایی و جزایی آن موقع مورد مقایسه و تطبیق قرار دهیم، در می یابیم که جنایت مأموران رژیم در به خاک و خون کشیدن بیش از ۲۰۰ زن و مرد تظاهرکننده بی دفاع و آرام، خلاف مقررات و محکوم است. لذا باید مأموران خاطی و جنایتکاری که به سوی مردم شلیک کردند در همان ایام محاکمه و قصاص می شدند، ولی متأسفانه دستگاه قضایی رژیم و بخصوص دادسرای گرگان هیچیک از مأموران قاتل آن همه شهید را در آن ایام نه تنها محاکمه نکرد بلکه حتی اعلام جرم هم علیه آنها ننمود. در اینجا نظرات یکی از وکلای پایه یک دادگستری گرگان (آقای نیک نژاد) را که در تاریخ ۵۷/۹/۲۵ خطاب به دادسرای شهرستان گرگان و مستند به قانون اساسی رژیم پهلوی نوشته شده می آوریم:

وسیله مأموران به محاکم نظامی جلب می شوند. قانون گزار در آنجا هم جواز تیراندازی به دست مأموران نداده [است]... به هر صورت چون عمل مأموران شهربانی به هیچ وجه منطبق با وظیفه قانونی نیست و آنان خارج از وظیفه قانونی عمل کرده اند، عمل آنان منطبق با ماده ۱۷۰ قانون جزایی عمومی است و رسیدگی به این جنایت نیز در صلاحیت دادسرای عمومی می باشد درخواست رسیدگی و تعقیب کیفری عامل این جنایت را دارم».

همین وکیل باز در گزارش دیگری خطاب به بازپرس دادگستری می نویسد:

«در تاریخ ۵۷/۹/۵ بدون علت و بدون جهت وجواز، مأموران شهربانی گرگان با رگبار مسلسل مردم بی دفاع گرگان را زیر آتش گلوله قرار داده اند. البته برای جلوگیری از تظاهرات به حق و قانونی مردم، به عبارت دیگر جواب تظاهرات مردم را مأموران شهربانی با گلوله داده اند. البته محل اجتماع مردم جلوی صحن امامزاده عبدالله گرگان بوده [و] در خیابان های دیگر نه تظاهراتی بوده و نه اجتماعی تشکیل شده بود... همان طوریکه خاطر عالی مستحضر است تجاوز و تخطی مأموران قوه ی مجریه به حریم قوه ی قضائیه از سالیان دراز شروع گردیده و در ماه های اخیر به اوج خود رسیده [است]. خودکامگی های مأموران هیأت حاکمه به جایی رسیده که حتی مراجع قضایی را هدف رگبار مسلسل های خود قرار داده اند. تیراندازی به سوی ساختمان دادگستری های گرگان-آمل- گواه این مدعاست آتش زدن دادگستری های زنجان و دزفول [به] وسیله مأموران انتظامی شاهی دیگر است. بدیهی است هیئت حاکمه با اخذ نمودن عوارض و مالیات از مردم و با استفاده از منابع زیر زمین و روی زمین موفق به تهیه سلاح می گردد و این سلاح باید در جهت حفظ جان و مال مردم و حفظ مملکت به کار گرفته شود و نه اینکه علیه جان و مال مورد استفاده واقع شود.

زیرا اولاً تظاهرات و برگزاری اجتماعات و تظاهرات حق مسلم مردم و ناشی از قانون اساسی است. نه تنها برگزاری تظاهرات خلاف قانون نیست بلکه برهم زدن آن تخلف از قانون و رویه دمکراسی است. ثانیاً به فرض که تظاهرات خلاف قوانین جاری مملکت باشد، آیا مأموران نمی توانستند به طریق دیگر مبادرت به



عبدالله گرگان اجتماع نموده اند. مأموران انتظامی علی رغم حقوق و آزادی های فردی و اجتماعی مردم، منعکس در قانون اساسی، به جمعیت اخطار می نمایند که متفرق شوند، چون به اخطارهای غیرقانونی مأموران واقعی نمی گذارند در نتیجه مأموران شهربانی بدو با شلیک گاز اشک آور در صدد بر هم زدن تظاهرات قانونی مردم می شوند و چندی بعد با رگبار گلوله بسوی مردم بی دفاع آتش می گشایند. به شهادت پرونده های متشکله چندین نفر در دم کشته و ده ها نفر مجروح گردیده اند. سپس مأموران شهربانی در خیابان های شهر گشته و هر کسی را در خیابان می دیدند هدف رگبار مسلسل قرار می دادند...

جناب آقای دادستان! برگزاری تظاهرات حق مردم است و برهم زدن آن نقض یکی از اصول مسلم قانون اساسی است و جرم محسوب می شود. وظیفه قانونی مأموران حفظ جان و مال مردم است و نه هدف رگبار گلوله قرار دادن آنها. در کجای قانون جواب تظاهرات گلوله است؟ در کدام مقررات آمده است که مأموران حق گلوله باران کردن مردم بی دفاع را دارند؟ حتی در قانون حکومت نظامی (ماده ۱۰ آن) که گفته در شهرهایی که حکومت نظامی اعلام می شود و برگزاری اجتماعات ممنوع می گردد، بدو مأموران به اجتماعات اخطار می نمایند که متفرق شوند. در صورت مخالفت و مقاومت [به]

«بیش از هفتاد سال قبل، در شرایطی که نظام استبداد وقت خود کامگی و ستمگری را به اوج رسانیده بود، انقلاب مشروطیت ایران جهت کسب استقلال و آزادی به وقوع پیوست و در نتیجه خونهای شهدای راه آزادی بود که اصول و متمم قانون اساسی تدوین گردید. اصولی که هر کلمه آن با مرکب خون فدائیان راه حق و حقیقت نوشته شد تا عامل باز دارنده ی باشد برای هیأت های حاکمه که مبادا از خط کشی مشی مشروطیت تخطی نمایند. چرا که [مشروطیت مشروط است به حفظ حریم حکومت قانون و نفی همه خودکامگی ها و خودسری های سابق قانون اساسی تضمینی بود برای اصل حکومت اداره مردم بر مردم. نگاهی هر چند کوتاه و زودگذر به بعضی از اصول و متمم قانون اساسی گویای حقیقت مزبور است.

اصل نهم قانون اساسی مقرر داشته: افراد مردم از حیث جان و مال و مسکن و شرف محفوظ و مصون از هر نوع تعرض هستند.

اصل بیستم و یکم گفته است: انجمن ها و اجتماعات در تمام مملکت آزاد می باشد.

اصل بیستم و هشتم همین قانون، اصل تفکیک قوا و استقلال و اعتبار هر یک از آنها [را] بیان نموده است.

اصل هفتاد و یکم متمم قانون فوق گفته است: دیوان عدالت عظمی و محاکم عدلیه مرجع رسمی تظلمات عمومی هستند.

قانون گذار در مقام حمایت از حقوق عمومی و با حفظ حیث و حریت قوه قضائیه و در اجرای اصل اخیر الذکر ماده ۱۵۰ قانون جزای عمومی تصویب نموده که گفته هر یک از قضات که تظلمی مطابق شرایط قانونی نزد او برده شده و رسیدگی به آن از وظایف او بوده، با وجود این به هر عذر و بهانه از رسیدگی امتناع نماید یا رسیدگی را به تأخیر اندازد از شغل قضایی منفصل و...

ایضا در ادامه همین سیاست ماده ۲۸۱ و بعد متمم قانون جزای عمومی را تدوین نموده است. از طرفی مقنن با تصویب ماده ۱۸ و بعد قانون آیین دادرسی کیفری با بر شمردن حدود اختیارات مأموران انتظامی، آنان را جزء ضابطین عدلیه به حساب آورده [است]. بنابراین به شرح زیر مبادرت به اعلام جرم می گردد.

صبح روز یکشنبه ۱۳۵۷/۹/۵ که بر اثر فتوای مراجع معظم تقلید، آن روز تعطیل عمومی اعلام گردید، مردم گرگان جهت برگزاری تظاهرات مسالمت آمیز مقابل صحن امامزاده

ادامه از صفحه ۴

کشتار پنجم آذر گرگان و نقض قانون اساسی مشروطه

شیشه‌ها و دیوارهای خیابان های پهلوی، سرخواجه و مولن‌روژ و دیگر خیابان ها مشهود است و این دلیل بر آن است که مأموران در همه خیابان ها تیراندازی می‌کردند و بدیهی است وقتی تیراندازی مثلا در خیابان مولن‌روژ صورت می‌گیرد تنها به شیشه‌های مغازه‌ها بر نمی‌خورد، بلکه [عابران را هم هدف قرار می‌دهد. از جمله موکل [من] و شخص دیگری [به نام سید نظام الدین نبوی] که در محوطه بیمارستان پهلوی [پنجم آذر فعلی] مورد اصابت گلوله قرار گرفته و به قتل رسیده است. علیهذا درخواست رسیدگی و تعقیب کیفری عامل این جنایت و محرک و دستوردهنده این جرم را دارم. [اخذ از: کتاب حماسه پنجم آذر سال ۵۷ گرگان- تالیف: غلامرضا خارکوهی- چاپ بنیاد شهید- چاپ دوم]

و آدم‌کشی‌های مأموران قوه مجریه در چند صفحه و چند ورقه این پرونده نمی‌گنجد و نیاز به زمان بیشتری دارد. به هر صورت... وظیفه قانونی مأموران حفظ حریم حکومت قانون است و اینکه اگر کسی که از چهار چوب قانون تخطی کرده و مزاحم جان و مال مردم گردیده جلوی مزاحم و تجاوز را بگیرند و تحویل مراجع ذیصلاح بدهند. پس قتل عام از جمله مصادیق وظیفه قانونی تلقی نمی‌گردد تا مرجع رسیدگی مراجع نظامی باشند. و طبق اصل کلی، محاکم عمومی و دادسراهای عمومی صالح به رسیدگی هستند. باری مأموران شهربانی مرتکب قتل عمد.. گردیده‌اند و طبق قانون باید به جزای اعمال خود برسند. توضیح دیگر اینکه هنوز آثار گلوله روی مغازه‌ها و

پراکندن جمعیت نمایند؟ آیا نمی‌توانستند مقاومت و مخالفین را جلب و تحویل مراجع قانونی دهند؟ در کجای دنیا مأموران این حق را دارند که به روی مردم بی‌دفاع رگبار مسلسل بگشایند؟ مگر طبق قوانین جاری مملکت، مأموران انتظامی از جمله ضابطان عدلیه محسوب نمی‌شوند؟ مگر تحت نظارت و تعلیمات دادستان شهرستان انجام وظیفه نمی‌نمایند؟ پس این همه جنایات و آدم‌کشی‌ها چطور توجیه می‌شود؟ دولت که ادعای فضای باز سیاسی را دارد و مدعی است که مدافع استقلال و اعتبار قوه قضائیه می‌باشد، پس چرا مأموران وی کوچکترین حرمتی برای مرجع قضا قائل نمی‌شوند؟ جناب آقای بازپرس! شرح و تفصیل جنایات

مجمع چاپ و بسته بندی انوین

چاپ انواع :

- کارت ویزیت
- تراکت
- سربرگ
- بروشور
- کاتالوگ
- پاکت
- پوستر
- بئر و ونیل
- تقویم و سررسید
- کارت های مجلسی

راحت و سریع کار تو چاپ کن

با سامانه سفارش آنلاین چاپ

www.CHAPNOVIN.com



گرگان ، خیابان شهدا ، بین لاله ۶ و ۸
 ۳۲۲۵۱۵۷۲ - ۳۲۲۳۶۶۵۳ - ۰۱۷
 ۳۲۲۴۱۶۹۷ - ۳۲۲۳۲۶۰۸ - ۰۱۷
 ۳۳۳۷ ۳۷۱ ۳۳۳ ۰۹۳۳ chapnovin_com

مدیریت : غفاری

اینجا خانه شاه است! همه اراضی متعلق به اعلی حضرت است!

خاطرات دکتر عباس سپهری گرگانی - تدوین سال ۱۳۲۱

این خانه های مقوایی و پوشالی را در کنار جاده ها و در وسط شهرها به چشم می بینند.

اگر این ساختمان ها بنیان محکم و اساس درستی داشت ظاهر سازی و فریب نبود. به هر صورت برای کشور نعمت و نشان آبادی بود. ولی املاک و زمین های مردم که وسیله معاش و گذران آنان بود به رایگان از دستشان بیرون آوردند و روسای املاک در هر نقطه با همدستان خودشان برای بدبختان مردم کلک جور نمودند و همان طور که شهرداری ها با کارشناسی مهندسی در غالب شهرها از کوچک کردن یک میلیمتر در نقشه خرابی خانه ها صد هزارها تومان استفاده خصوصی نمودند، در این جا هم بعد از اسباب چینی هایی که می شد و با فشار مردم را وادار به امضای سند انتقال [املاک خود به نام رضاخان] نموده، مبلغ خیلی کمی که بهای ملک بود به یکی از بازرگانان چیز فهم محل (!) حواله می شد که پرداخت نماید؛ و این شخص وظیفه خود را می دانست که چه مبلغ باید به رئیس املاک [شاه] پرداخت و بقیه را به فروشنده بپردازد. فروشنده ملک هم روی تجربه می دانست که نباید دیگر فضولی کند و چنانچه لب بجنباند دیگر باید خانواده او از فراغش داغدار شوند.

اگر هر کاری را از لحاظ نتیجه عمل قضاوت کنیم به این جا خواهیم رسید که ثمره کارهای مباشرین و روسای املاک [رضاخان] کمتر از حمله مغول نبوده، تنها تفاوت قضیه این است که مغولها در یک لحظه شهرها را خراب، سکنه آن را قتل عام، دارائی آنها را غارت می کردند، ولی کارپردازی های املاک، بینوا مردم این سرزمین را مانند مگس که در تار عنکبوت گرفتار باشد میکده و علاوه بر آن که مُلک و وسیله اعاشه [معیشت] آنها را به رایگان گرفته بودند، باید مرد و زن دختر و پسر، صغیر و کبیر مانند غلامان عصر برده فروشی، بدون هیچ دستمزدی کار کنند. شکنجه و آزار ببینند، دشنام های عرضی و ناموسی بشنوند و باز هم به همین مختصر قناعت نمی شد، آنها باید بازار فروش محصول املاک بوده، سبزی و کلم را هم به قیمت گزاف خریداری نمایند.

حادثه شهریور ۱۳۲۰:

یکی از خصایص روحی جنایتکاران این است به همان درجه که در اعتساف و ستم زبردست و فاقد شققت و عاطفه هستند در برابر پیش آمدها خیلی زود دست و پای خود را گم می کنند. پاسپانان خانه شاه، آنهایی که ایالات زرخیز و پر جمعیت شمال ایران را از هستی تهی نمودند و کرورها ثروت اندوختند و با صورت سازی و ساختمان های پوشالی و رنگ و آب ظاهری در موقع تشریف فرمائی خدمات خویش را نشان می دادند، آنهایی که مقررات و قوانین را در حوزه املاک از اثر بُرده و از مظالم نامحدود و شکنجه ها کشاورزان را فراری، و رعایا را متواری ساختند، در پیش آمد شهریور [سال ۱۳۲۰] و جنگ جهانی دوم خود را باختند. رئیس املاک گرگان به همراهی نماینده بهداری و عده ای از روسای دولتی که اتومبیل در دسترس داشتند فرار نمودند، فرار این دسته که عهده دار نظم و نگاهیانی بودند، موجب نگرانی و وحشت و از هم گسیختگی رشته امور شد.

در این موقع باید مأمورینی که ایفاء وظیفه نموده و در محل مأموریت بدون بیم و هراس باقی مانده و روحیه مردم و اهالی شهر را تقویت نموده نام بُرد؛ و



دکتر عباس سپهر

انجام ندهند. متأسفانه اولیای امور مرکزی هم این مطلب را به خوبی می دانستند و به همین جهت هر رئیس اداره یا نماینده رسمی دولت که در این حدود، طرف به آستان منبع رئیس املاک سر تعظیم و بندگی فرود نمی آوردند معلق و منفصل و به دادگاه اداری هم جلب می شدند.

رؤسای املاک استیلای کاملی بر کلیه ادارات و سرنوشت همه کارمندان داشتند. شاهانه حرکت می کردند و از انجام هرگونه جنحه و جنایت، شکنجه و آزار حتی تجاوز به شرافت خانواده ها دریغ نمودند. این افراد که هنوز در جامعه ما با کمال آزادی و احترام زیست می کنند، کسانی هستند که کمینه پانزده سال [در دوره حکومت رضاخان] تمام ثروت و هستی مردم را به عناوین مختلفه غارت نمودند. کسانی هستند که به ... میهن خیانت نموده و ... هرچه خواستند به نام شاه انجام دادند. تمام بخشهای گرگان و مازندران در خور عمران و آبادی بود. هیچ ضرورتی نداشت که خانه های روستائی را از میان بردارند. آشیانه صدها سال مردم که درخور احتیاج آنان بود منهدم و خراب سازند آن وقت به نام آبادی و نمایش خانه های الافرنگی [اروپایی] که به هیچ وجه تناسب با زندگی روستائی و کشاورزی نداشت در کنار جاده بنا نمایند و سکنه بینوا و درمانده و خانه خراب شده را وادار کنند که در این خانه های دو اطاقی که خیلی باید با اصول (مکش مرگ ما) در آن زندگانی کرد قرار گیرند، البته طرز زندگانی روستائی و نوع مسکن و کلبه آن خوب نیست و باید با ساختمان های مناسب و بهتری آنها را آشنا نمود، اما به چه صورت؟ برای این که کارپردازها به هزینه شهرداریها بعد از پیش آمد شهریور دیگر ناچار نبودند بناهای سر راه و خانه های نوسازی که دوام آنها را از دکورهای نمایشگاه هم کمتر بوده رنگ و روغن بزنند همه از ریزش باران و سستی مصالح و بنیان، خراب و در و شیشه هم که داشته از میان رفته است. خانه های روستائی چون برای زندگی کشاورزان مناسب نداشت بعد از رفع فشار، منهدم شد. امروز مسافرین گرگان و مازندران اطلاع

دشت های حاصل خیز گرگان:

دشت های گرگان، مازندران [و] تنکابن از بخش های حاصل خیز و پر استعداد ایران است. زیرا رشته کوهسار البرز که جنوب دریای خزر را مانند دیوار بلندی محصور ساخته رطوبت و ابرهایی که از دریا بالا می آیند چون راه عبوری ندارند در دامنه های شمالی این سلسله جبال باقی مانده، در نتیجه ریزش باران ها همواره این مناطق سبز و خرم و درختان صفای خاصی دارند. کشت زارها، مراتع جنگل ها رودخانه های متعددی که رو به دریا جریان دارند ایالت شمالی را از هر جهت مستعد عمران و آبادی نموده، وسائل طبیعی در آنجا فراهم است، تنها علاقه و دلبستگی و دانستن روش کار، این سرزمین را یکی از منابع بزرگ کشاورزی مملکت قرار می دهد.

از دشت های گرگان تا تنکابن زمین برای کشت و پرورش هر نوع حاصلی آماده است. ولی البته اصلاحات فنی و صحیح هم باید مورد توجه قرار گیرد و احداث سد آبیاری از آن جمله می باشد. محصول مهم این نواحی عبارتند: از غله، برنج، پنبه، توتون، چغندر قند، نیشکر، اشجار تنومند و پرشاخ و برگ جنگل ها را شمشاد افرا، گل ابریشم، بلوط و گردو، انار، گلابی، ازگیل، سیب، انجیر، گوجه، مو، آلوزرد و درختانی که در صنایع عمل مهمی دارد تشکیل می دهند. سراسر دشت های شمالی در موقع بهار از ریزش باران ها خرم و همیشه پوشیده از سبزه و چمن و علف می باشد و از این لحاظ برای پرورش رِمِه [دام] استعداد کامل دارد.

سکنه شهرستان گرگان را تا پانصد هزار نفر گفته اند. ترکمن ها در کوهستان های شرقی اقامت دارند و صنایع آنان قالی بافی، تنگ اسب، خورجین، پارچه ابریشمی و بازرگانی احشام و روغن می باشد. تمام قسمت های جنوب دریای خزر قابل آبادی است. این بخش از نظر تاریخ هم مهم و سلسله های بزرگی از شاهان ایرانی نژاد که آثار درخشان دارند در اینجا حکمرانی و کامرانی نموده اند. هر چند سرزمین گرگان و طبرستان کمتر با حوادث زمان مواجه شده، ولی به طور کلی از آفات مصون نمانده و آثار حمله مغول در بعضی قسمت ها به ویژه در آمل نمایان است.

اینجا خانه شاه است

منظور من در این گفتار شرح تاریخ یا موقعیت جغرافیائی گرگان و طبرستان نیست بلکه این مقدمه را از این روی طرح نمودم که معلوم شود عوامل خرید املاک یک چنین ایالت بزرگی را که شایان هزارگونه بهره یابی بود، در اثر فکر غلط و کج به چه روزگاری نشانده اند. پیدایش املاک اختصاصی [رضاخان پهلوی] آفت و بلاتی بود که بر خطه گرگان و مازندران و تنکابن نازل شد. در این حدود بر فشارها و سختی هایی که همه اهل کشور از عوامل ایجاد دیکتاتوری داشتند یک بدبختی دیگری هم علاوه شده بود و آن این بود که در سایر نقاط باز کم و بیش قوانین و مقررات قابل اجرا بود ولی در بخش های شمالی به عنوان این که این جا خانه شاه است تمام مأمورین دولت باید مطیع و منقاد رئیسان املاک و کارپردازها باشند و قانون و مقررات و دستورهای صادره از مرکز و وزارت خانه ها را هیچ بشمارند و کوچکترین عمل یا اقدامی مخالف میل کارپردازها

اینجا خانه شاه است! همه اراضی متعلق به اعلی حضرت است!

ادامه از صفحه ۶

آقای ضیاء نوری رئیس دادگستری، آقای محمد آیت اللهی رئیس ثبت اسناد و املاک، و آقایان رفیعی رئیس پست، و کریمی بازپرس دادگستری، و محمد زند رئیس دارائی، در حادثه شهریور [سال ۱۳۲۰] و حمله ارتش متجاوز روس] در گرگان ماندند. این عده بعد از فرار روساء املاک و بهداری و دوائر دیگر خود را وظیفه دار اداره شهر دانستند و با تشکیل کمیسیونی به شرح زیر توانستند از پیش آمدهای سوء و زیان های جبران ناپذیر به هر شکلی بود جلوگیری نمایند. رئیس دارائی متصدی امور فرمانداری، و بازپرس عهده دار انجام کارهای شهرداری گردید. [در آن زمان سرهنگ صفار فرماندار گرگان

به ساری و مازندران رفته بود به عبارت دیگر از شهر گریخته بود.] رئیس ثبت در فرمانداری به تصدی دفتر پرداخت و برای انتشار و انشاء آگهی ها به منظور حفظ روحیه اهالی و جمع آوری حواس آنان اقدامات سودمند و مؤثری نمود. این هیئت به سرعت موضوع خواربار را که در آن وقت اهم مسائل بود مورد توجه قرار دادند و با سرکشی به کارها و تماس با اهالی و اندرز، مردم را وادار به کار، و کشاورزان را به انجام وظایف خود تشویق نمودند، به تدریج اضطرابی که از فرار رؤسای املاک و رئیس بهداری و رئیس فرهنگ، [و فرماندار گرگان] در دل اهالی وجود یافت به آرام شد، زندگانی حالت عادی به خود گرفت.

فلسفه ماندن نامبردگان در شهر در این موقع که چندان اوضاع روشن نبود، این بود که آنها می دانستند فرار مورد ندارد و خود باختن در چنین روز، هرج و مرج هایی به وجود می آورد که علاج ناپذیر است. اگر دولت در این قسمت و بعضی بخش ها ناچار به اقدام مخالف میل خود نشد، برای این بود که روسای وظیفه شناس در آن جا داشت. البته موضوع رسیدگی و محاکمه آنهایی که مردم را به وحشت انداخته و سراسر گرگان و مازندران را متقلب نمودند، قابل توجه است، و اینک که هیئت بازرسی از طرف وزارت دادگستری به شهرستان های شمالی می رود، تحقیق قضیه ضروری و رسیدگی به جنایات مباشرین املاک و رفع شکایات اهالی و تأمین آسایش آنان صورت خواهد گرفت. در ساری و بهشهر این پیش آمدها تزلزل حواس به وجود آورد. چون اوضاع به حال عادی برگشت نمود، فراریان [به شهر گرگان] مراجعت نمودند. علت فرار آنها این بود که در هنگام مأموریت از فشار و تعدی نسبت به اهالی دریغ ننمودند. ولی آنهایی که باقی ماندند می دانستند که مردم بدون جهت خشمگین نمی شوند.

در نتیجه مراجعت آنها کمیسیون از کار کناره گرفت، اما برگشت فراریان تأثیر بدی کرد. زیرا مردم از ترس آن که باز اوضاع گذشته تکرار شود، باز دست های ستم کاران برای شکنجه و آزار آنان قوت پیدا کند، باز جان و مال و ناموس آنان دستخوش تعدی شود، به جوش آمدند. اجتماع در حال هیجان و خشم، فکر و مطالعه ندارد. این بود که تظاهراتی شد و در این میان ولگردان موقع را مناسب یافته به خرابی ساختمان ها و کندن در و پنجره و شیشه های خانه های نوساز اقدام نمودند. قضیه مهم خرابی در گرگان موضوع حمله به مصلی و شکستن شیشه و غارت اثاثیه دبیرستان آن جا است.



رضاخان و مامورانش همه اراضی مرغوب گرگان و دشت را تصاحب کردند

داشت، و هیچ کس در پی تجدید بنا و ساختمان این نوع مستغلات برنیامد، این نوع محل ها خراب و زمین آن به فروش رفت یا در آن محل ساختمان فرهنگی به وجود آمد. البته لازم بود وزارت فرهنگ به جای محو آثار بنا، از قسمت حیاط و اطاق های مدرسه استفاده نموده آنجا را برای آموزشگاه ساختمان نمایند، و در مرمت یا ساختمان تازه در محل خود برای مسجد اقدام ورزند. فلسفه عملی که شده خود بحث مستقلى است که در این گفتار مجال بسط آن نمی باشد. می گویند رئیس سابق فرهنگ گرگان در خرابی بنای مصلی اصرار ورزید و با آن که عده ای از بازرگانان حاضر شده بودند که نقص ساختمان را مرتفع، و اثاثیه لازم را تهیه کنند، و با آن که صد قدم بالاتر زمین های وسیع موجود بود، مصلی و دکان های وقف را خراب [کردند] و در این محل ساختمانی شد که محل دبیرستان دختران گرگان گردید. در اطراف خرابی مصلی و فروش مصالح خیلی صحبت ها در محل می شود و در این قسمت مردم روسای املاک را هم شریک و مؤثر می دانند. البته اداره بازرسی وزارت فرهنگ راجع به عملیات رئیس سابق فرهنگ گرگان و قضیه مصلی تحقیقات لازم را خواهند نمود و نتیجه آن معلوم خواهد شد. در هر صورت بازگشت رئیس فرهنگ سبب شد که مردم به جوش آمدند و به دبیرستان دختران هجوم نموده در و پنجره را شکسته اثاثیه آن را از میان بردند.

۲. بهداری گرگان:

از بیماریهای واگیر در گرگان آنچه بیش از همه نمایش دارد تعداد بی شمار کودکانی است که مرض کچلی به ضخامت چند میلیمتر دارند و در بازار و کوچه ها دیده می شوند. به طوری که می گویند در موقع تشریف فرمائی [رضاخان] تمام بینوایان و بیماران جمع آوری و در محلی زندانی می شدند، بعد آزاد می گشتند. بهداشت عمومی هم چندان رضایت بخش نبود. وضع بیمارستان آنجا قابل رسیدگی است؛ و بیش از این جمله برای نگارنده طول کلام موضوع ندارد. علاوه بر موضوع هایی که باید در مورد بهداری آنجا و بیمارستان تحت رسیدگی در آید، گفته شد که حسن پسر یوسف جرجانی کارمند اداره فرهنگ آن جا مبتلا به فتق بوده که بعد از عمل بیمارستان احتیاج به ترزیق آمپول داشت و کلید نزد بانوی پرستاری بود که به گردش رفته بود. در نتیجه ترسیدن دوا بیمار فوت نمود.

[اخذ از: کتاب تاریخ املاک اختصاصی رضاشاه در گرگان ۱۳۲۰-۱۳۱۴، دکتر عباس سپهر گرگانی، به کوشش مصطفی نوری و زینب طهماسبی، تهران پردیس، ۱۳۹۴، صص ۲۷ تا ۳۶ به نقل از روزنامه کوشش، شماره های ۸۴ و ۸۵ و ۸۶، اردیبهشت ۱۳۲۱- صص ۲۰۱]

این عمل نتیجه مستقیم برگشت رئیس سابق فرهنگ به گرگان بود که شرح آن را خواهم نوشت.

۱. غارت مصلی:

شرح فرار روسای بعضی ادارات و نماینده بهداری گرگان را نوشتم. تأثیر تلخ و ناهمواری که فرار رئیس سابق فرهنگ گرگان و بازگشت او به شهر فراهم نمود راستی شنیدنی است. خوانندگان گرام می دانند که در بیشتر شهرها روی آداب و اصول دینی مؤمنین به ساختن مساجد که محل عبادت و نماز بود اقدام می نمودند و مصلی را هم برای اعمال خاصی مانند نماز عیدین [نماز صبح روز عید فطر و عید قربان]، استسقاء [نماز طلب باران] و غیره بنا می کردند. یکی از خبط های عمدی دوره گذشته [توسط دولت رضاخان] انهدام مساجد و عبادتگاه ها بود که نخست از تهران شروع و به تدریج در سایر شهرستان ها مورد عمل و سرمشق قرار گرفت.

بعضی مدارس قدیم که احياناً شبستان و ساختمانی به نام مسجد داشت، مانند مدرسه سپهسالار قدیم و جدید تهران که آبرومند بود، دست نخورد. ولی مساجد و مدرسی که در نتیجه کسر درآمد موقوفه یا از میان رفتن رقبات وقف و در اثر عدم توجه و بی قیدی متصدی یا متولی خراب و محل ریزش زباله شده بود منظره بدی



پیام امام خمینی خطاب به ملت ایران به مناسبت به مسلسل بستن بارگاه مقدس امام رضا(ع) توسط عوامل رژیم شاه و اعلام عزای عمومی روز یکشنبه ۵ آذر سال ۵۷

بسم الله الرحمن الرحيم
جنايات رژيم منحط شاه روز به روز پُر اوجتر می گردد. افزایش حجم جنايات به قدری است که قدرت بیان را سلب می نماید. ضایعات این چند هفته اخیر، سرتاسر ایران را به سوگ نشانده است و قدرت تفکر را از شاه سلب کرده است. دولت یاغی نظامی، به امر شاه، تر و خشک را به آتش کشیده و یکی از بزرگترین ضربه های این چنانکوار به اسلام، به مسلسل بستن بارگاه قدس حضرت علی بن موسی الرضا - صلوات الله علیه - است. این بارگاه مقدس در زمان رضا خان به مسلسل بسته شد و قتل عام مسجد گوهرشاد [در سال ۱۳۱۴] به وجود آمد. و در زمان محمّد رضا خان [در ۲۹ آبان سال ۱۳۵۷] آن جنايت تجدد و دزدخیمان شاه در صحن و حریم آن حضرت ریخته و گشتار کردند.
ملت مسلمان باید از این شاه و دولت یاغی غاصب تبری کنند و مخالفت با آن لازم است. تمام اقتدار ملت، خصوصاً اهالی قرا و قصبات، باید بدانند که شاه غاصب و دولت یاغی او کمر به هدم مقدسات اسلام بسته اند، و اگر مهلت پیدا کنند به محو آثار شریعت بر می خیزند.
بر تمام طبقات ملت لازم است، با هر وسیله ممکن، به سقوط این دستگاه چار قیام کنند. اطاعت این دستگاه اطاعت طاغوت و حرام است. خداوند مسلمین را از شر آنان حفظ فرماید. در این عزای بزرگ و جسارت به مقام امام امت، روز یکشنبه ۲۵ ذی الحجه ۱۳۵۷ [۵ آذر سال ۱۳۵۷] عزای عمومی اعلام می شود. **إِنَّا لَهُ و إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ.**
۲۳ ذی الحجه ۱۳۹۸ [قصری] - روح الله الموسوي الخميني

شهدای ۵ آذر سال ۵۷ گرگان به روایت تصویر



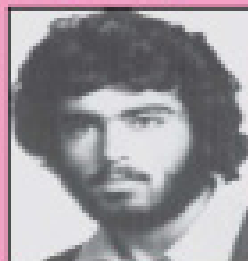
نرگس فطاحیان



صدیقه بروانه



عباس خالداران



حسینعلی نمیری



حسین مفضوللو



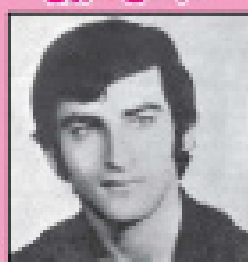
سید چنگیز امیر لطفپور



سید نظام الدین نوری



احمد سبیتی



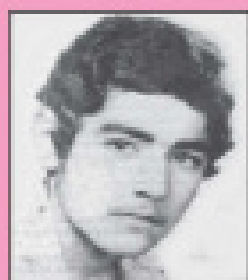
حجت الله عباسی



سید اسماعیل حمینی



بنیاد شهید و
امور ایثارگران
استان گلستان



فرامرز ویزواری



ابوالقاسم علاءالدین



حسین مخفی رازی



ابوالحسن هادی